

# قطع رابطه بین ایران و آمریکا

## دلیل بر قطع امید دولت آمریکا از ایرانست

نامه

# مردم

از گان مرکزی غرب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۰۶  
شنبه ۲۰ فروردین ماه ۱۳۵۹ - شماره ۱۵۰ ریال

امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، بمناسبت قطع رابطه ایران و آمریکا، پیامی خطاب به ملت ایران فرستادند، که مهمترین نکات آن بشرح زیر است:

ملت شریف ایران، خبر قطع رابطه بین آمریکا

### بیانیه شورای انقلاب

دولت آمریکا آن آزمنده و تجاوزگر طلبی را که بر بافت طبیعی نظام سیاسی و اقتصادی اوست، به ظهور رساند و در برابر ملتی که پس از روزگاران دراز تحمل بار سنگین تحمیلات و زورگوییها، اکنون می خواهد مستقل و آزاد و دستگاز باشد، آشکارا صف آرائی کند. ما منتظر حمله شیطان بزرگ را بر قدرت آمریکا و دست نشانده گانش بودیم اکنون آنروز فرا رسیده است. رئیس جمهور آمریکا کاتب

گذشته طی نطقی تهدید آمیز، بخشی از برنامه های حمله اقتصادی و سیاسی رژیم آمریکا به ایران را اعلام کرده و بخشی دیگر را به آینده موکول نموده است. بهانه دولت ایالات متحده برای تجاوزات آشکاری که نسبت به ملت ما در پیش گرفته است، مسئله گروگان گیری است. رئیس جمهور آمریکا می کند مسائل امپریالیستی دولت خود را در زیر پوشش مسئله بقیه در صفحه ۶

و ایران را دریافت کردید. امری کارتر در عمر خود یک کار کرده باشد که بتوان گفت به خیر و صلاح مظلوم است، همین قطع رابطه بین ملت بیخاسته برای رهائی خود از چنگال چپاولگران بین المللی است. رابطه با یک چپاولگر عالم خوار همیشه بشرف ملت مظلوم و بنفع چپاولگر است. ما این قطع رابطه را بقال نیک می گیریم، چون که این قطع رابطه دلیلی بر قطع امید دولت آمریکا از ایران است. ملت رزمنده ایران این طلحه پیروزی نهائی را که ابرقدرت سفاکی را وادار به قطع رابطه، یعنی خاتمه دادن به چپاولگریها کرده است، اگر جشن بگیرد، حق دارد. ما امیدواریم که نابودی سرسپردگانی مثل سادات و صدام حسین بزودی انجام گیرد و ملت های شریف اسلامی به این انگلهای خائن آن کنند که ملت ما یا محمدرضای خائن کرد.

ملت شریف عراق، شما اخلاف آنان هستید که انگلیس را از عراق راندید، بیخیزید و قبل از آنکه این رژیم فاسد همه چیز شمارا تپاه کند، دست چپانکاران را از کشور اسلامی خود قطع کنید... ای ارتش عراق اطاعت از این مخالف اسلام نکنید و به ملت به گرانید و دست آمریکا را که از آستین صدام بیرون آمده است، قطع کنید.

## به پیروی از ره نمود امام و بیانیه شورای انقلاب

# همه با هم

## در جبهه نبرد سر نوشت ساز علیه امپریالیسم امریکا متحد شویم

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

باید تمام مشاجرات و تمام وجوه اختلافات مسلکی، عقیدتی و سیاسی موجود بین گروهها، سازمانها و احزاب کنار گذاشته شود و همه مردم ایران، همه نیروهای انقلابی ایران، در جبهه متحد نبرد با دشمن مشترک امریکای جنایتکار زیر رهبری قاطع و آشتی ناپذیر امام خمینی رهبر انقلاب ایران، بسیج شوند. این ضرورت مبرم روز است.

### هنگام

نهال به ثمر میرسد که سنگها پرتاب میشوند

تنت را پاره پاره میخوانند وطن! نفست را رایگان خاکت را مزارع پرپرشت سرنیزه و نفست را در قفس.

دریچه های رهایی را بکایک می بندند و تنها دروازه افتخار بر تو باز است ای وطن!

شایست را هنگام رسیده است: گذار ناگزیر سیاش از آتش شکیب و شهادت دردناک حسین در کربلا.

آی بردگان نافرمان! به باز خوانی قصیده کبود شلاقها بر پیکرتان گروغی نیست، پیوندی! کزین گریز گاه تنگ عبور را یکتنه میتوان.

وطن، تن واحد شو وطن، وطن مجروح من به ایمان و اتحاد تهنتم شو که باران تیر در راه است.

سیاوش کسرابی ۱۹ فروردین ۱۳۵۹

در صفحات بعد:

سینزدگان خرمشهر: ما را فراموش کرده اند صفحه ۲

در اهمیت تشخیص دوست از دشمن برای اداره صحیح کشور صفحه ۲

آزاد یخواهان رودزیا

فیلمی علیه خلق زیمبابوه در تهران صفحه ۴

شباهتهای ناگزیر هشدار به نیروهای راستین انقلابی

در آستانه کودتای ۲۸ مرداد امپریالیستهای آمریکایی و انگلیسی و عمال آنها کوشیدند افکار عمومی را از خطر اصلی متصرف کنند و متوجه خطر موهوم سازن صفحه ۴

ضد انقلاب ۷ خط لوله نفت را منفجر کرد صفحه ۶

که ملت ایران و تاریخ آینده آن از آن اغماض نخواهد کرد»

حزب توده ایران که به پیروی از مشی اصولی و انقلابی خود، و با درک مسئولیت سنگین خویش در برابر خلق و انقلاب، همواره از اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی و از جبهه متحد خلق پشتیبانی کرده و میکند و تمام نیروی خود را در راه تحقق آن بکار برده و میرد، از ره نمود رهبر انقلاب، امام خمینی، و از خواست شورای انقلاب برای احتراز از اختلاف و تفرقه بخاطر بسیج یکپارچه خلق در برابر خطری عظیمی که از جانب امپریالیسم آمریکا و شالین انقلاب ما را تهدید می کند، صمیمانه و صادقانه استقبال می کند.

آری، خلق قهرمان ایران توانائی رفع این خطر را دارد، بشرط آنکه یکپارچه و چون تن واحد عمل کنند. باید تمام مشاجرات و تمام وجوه اختلافات مسلکی، عقیدتی و سیاسی موجود بین گروهها، سازمانها و احزاب کنار گذاشته شود و همه مردم ایران، همه نیروهای انقلابی ایران، در جبهه متحد نبرد با دشمن مشترک - امریکای جنایتکار زیر رهبری قاطع و آشتی ناپذیر امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، بسیج شوند. این ضرورت مبرم روز است. هر گامی، بجز دلیل و بهانه ای، از طرف هر کس، در راه تفرقه نیروهای راستین انقلابی برداشته شود، کمک به ضد انقلاب، کمک به امپریالیسم آمریکا است. احیاء وحدت کلمه، سلاح و نشان پیروزی است. با سلاح آبدیده و آزموده وحدت عمل و قیام یکپارچه توده های میلیونی مردم، باید به جنگ عادلانه بر ضد امپریالیسم دشمنی آمریکا رفت و از راه دوجار شکست مقتضای ساخته.

متکی به وحدت و یکپارچگی خلق و نیروهای سیاسی راستین انقلابی، بیدرتک باید به قطع تمام رشته های موجود وابستگی به امپریالیسم آمریکا

کارگران و پیش نویس قانون تامین اجتماعی

کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۳۵۹/۱/۱۹

## یک، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم

# در اهمیت تشخیص دوست از دشمن برای اداره صحیح سیاست کشور

یکی از شرایط حیاتی پیروزی در مبارزه اجتماعی و اداره صحیح سیاست کشور تشخیص دوست از دشمن است. وقتی این تشخیص درست نباشد و دوست بپای دشمن و دشمن بپای دوست گذاشته شود، هدف گیری سیاسی بکلی غلط است و ناچاراً به فاجعه می کشد.

از خدمات بزرگ امام خمینی به انقلاب ایران آنست که از روز اول دشمن را به درستی تشخیص داد و کفایت سلطنت استبدادی، دشمن مردم ایران است و باید برچیده شود. و سپس گفت: آمریکا که با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ این رژیم را بر کشور ما تحمیل کرده، دشمن مردم ایران است و مردم ایران هر فریادی دارند باید بر سر این امر ایستادند.

امام نه فقط پس از سقوط استبداد سلطنتی، امر ایستادگی آمریکا را به عنوان دشمن مردم شناخت، بلکه آنرا دشمن شماره یک و شیطان بزرگ خواند و انقلاب علیه آنرا انقلابی بزرگتر از انقلاب اول (علیه شاه) نامید.

این یکی از خصایص روشن خط امام است، که مورد پشتیبانی ماست. اما هدیه های از طرف جمعی از سیاستمداران و برخی مطبوعات، که خود را پیرو خط امام می شمردند، مطالب دیگری مطرح می شود. شیطان بزرگ در نزد این آقایان «روس» و «افغانستان» و «حزب توده ایران» است و نظریه که با شور و هیجان در این زمینه مکرر در مکتوبات می گویند، در زمینه افشای جنایات و توطئه های امر ایستادگی آمریکا سخن نمی گویند، و اگر هم چیزی بگویند، مجمل و بی رنگ و وازوری بی میلی و ناساجاری است. البته منظور از «روس» در فرهنگ سیاسی آقایان همان اتحاد شوروی است. تاریخ روابط مست و سهاله ایران و شوروی روشن است و می توان با بررسی بی طرفانه این تاریخ دید که آیا «سایه شمالی ایران» را می توان دشمن ایران شمرده؟

مثلاً با کودتای حوت ۱۳۹۹ سیدنیاعالدین - رضاخان کار عملی انقلابی سر و بی انگلستان، مانند ژنرال ایران را براندازد، ژنرال دشترویل، مستر ریورتر و امثال آنها بود یا کار «روسها»

یا مثلاً با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سابق کردن حکومت ملی دکتر مصدق و استمرار دیکتاتوری محمدشاه کار عملی «سایه شمالی» آمریکا مانند ژنرال شورونسکیف، کیم روزولت و جرج آرن بود یا کار «روسها»

آیا این «روس» بود که بی طرفی ایران را نقض کرد و کشور را به پیمان های تهاوراتانه «سد آباد» و «هنداد» و «ستوه» کشید یا امر ایستادگی آمریکا و انگلیس؟

آیا این «روس» بود که منابع نفتی ما را با آن شوره را نه تنها از زمان تهمول امتیاز مدارس مدت هفتاد سال غارت کرده و کماکان غارت می کند، یا با تزلزل نفتی آمریکا، انگلیس و فرانسه؟

آیا این «روس» بود که ایران را (کشوری را که بیداری خود را حتی از اواسط قرن نوزدهم آغاز کرده) تا امروز کشور ۷۰٪ بیسوادی، فقدان صنعت و کشاورزی مساس نگاه داشته با سرمایه داری بین المللی امر ایستادگی؟

آیا این لنین نبود که قراردادهای اسارت بار تزاری را لغو کرد و این ادعای شوروی نبود که جلوی تهاورات فاشیسم خونخوار را به ایران گرفت و این دولت شوروی نبود که برای ایجاد منابع مادی در کشور ما دست به یک سلسله اقدامات وسیع زد؟

مسئله مهم مطرح شده امروز در کشور ما چیست؟ مگر کسب استقلال واقعی و تسکین آن، کسب دمکراسی سیاسی و اقتصادی و نيل به پیشرفت همه جانبه نیست؟

آیا «روس» (اتحاد شوروی) و دیگر کشورهای سوسیالیستی کمترین اعتراض باین مطلب دارند و مگر آنها بر مکنس از وجود یک ایران نیرومند و خودکفا و مستقل خوشحال نمی شوند؟

آیا حال کاملاً مساعد است که این امر ایستادگی و ایران را دیگر نمیخواهیم به انبار اسلحه آمریکا بدل سازیم و سیاستهای الکترونیکی و جناسوسی آمریکا را از ایران بچیندیم و میخواهیم به نفع های وابستگی اقتصادی را بانه می کنیم، «روس» امروز از این اعمال خوشحال نمی شود؟

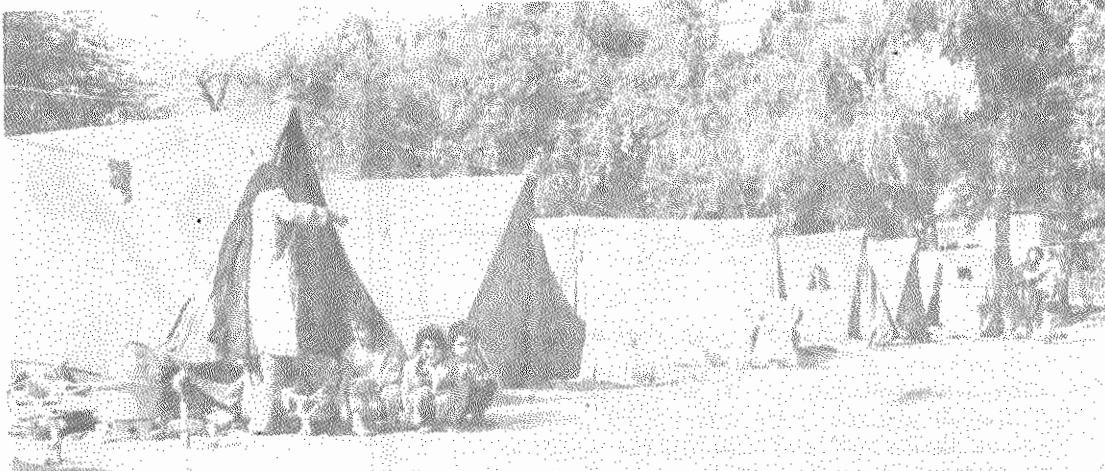
و آیا همه این اقدامات که مایه رضایت همایه ماست، در جهت استقلال مانده است؟ مگر همین «روس» امروز نبود که در جریان انقلاب اخیر شکوه همه ایران به آمریکا اخطار کرد که در امور داخلی ایران دخالت نکند. زیرا انقلاب ایران امر داخلی مردم ایران است؟ مگر در این ترس آمریکا از افکندگی سیاسی و نظامی

نام نویسی در حزب توده ایران کارگران و زحمتکشان هوادار حزب توده ایران که میبایند در حزب ثبت نام کنند، ولی در ایام هفته فرصت یافتار را ندارند، می توانند روزهای

جمعه از ساعت ۱۱ تا ۱۴ صبح و از ۱۴ تا ۱۷ بعد از ظهر به پیر خاله کمیته مرکزی حزب توده ایران، واقع در خیابان ۱۶ آذر، شعبه غربی دانشگاه تهران، مراجعه کنند، در شهرستانها دفتر حزب توده ایران برای نام نویسی آماده است. متقاضیان هنگام ثبت نام حتماً شناسنامه خود را همراه داشته باشند.

## بعد از ۲ ماه که از سیل خانمان بر انداز جنوب میگذرد: سیلزدگان خرمشهر: مار از زیاد برده اند...

زمین های زراعتی زیر سیل مدفون شده و زارعین ۲ ماه است سرگردانند  
 اهالی جزیره مینو شبها از ترس بالا آمدن آب به نوبت کشتک میدهند



روستاییان سیل زده «حماز شرقی» در چادرها زندگی میکنند. آیا این کافیست؟

نمی توان اینجا ماند، بالاخره باید رفت سراغ کاری. اما دیگر زراعت ممکن نیست. چیزی به پایان فصل کشت نمونده. مامبوریو امسال با کارگری بگلندرام و جبران خسارت را بکنیم. بهرحال اینجا ماندن هم بمرهه نیست. خرج دوشسری زیاد است. بهتر است بمانیم ده خودمان برگردیم.

به روستای اصلی آنها میرویم. حماز شرقی روستای بزرگی است که در ناحیه کارون واقع شده. باغ سالاری، شیخ (میرزا) سرنا، سلیمان و چندین روستای کوچک دیگر همه جزو حماز شرقی محسوب میشوند. هر کدام به نوبت سده دیده اند. جاده ای که مارا به باغ سالاری (۱۷ شهریور) میرساند، با آب سیل شسته شده و قابل عبور و مرور نبود. قسمت زیادی از نخلستانها، که در آنها سبزی کاری و میوه کاری میشده، زیر آب رفته بود. آب باران و آب که از طرف جاده وسط بسوی ده روان شده بود، خانه های زیادی را محاصره کرده بود. دزیر نخلستانهای خیس خورده، برگهای پژمرده گوجه و لوبیا سراز آب بیرون کشیده و زارعان عرب بجای بیل زدن، از آب مای میگیرند، پسر سلمان رادر ده می بینیم می گویند:

«من در شرکت صنایع شیمیایی بازارگاد کار میکنم، اما پدرم امسال برای کشت خیلی زحمت کشیده بود. نخلهای کوچک و درختان زردآلو و صیفی کارپها همه از زمین رفت. پدرم ۴۰ نخل برنج تازه کاشته بود، که هر کدام را ۱۰۰ تومان خریده بود. هفتاد را آب خفه کرد. بقیه را ضروری که به زارعین خورد، وضع جاده هم خیلی خراب است. با هر بارندگی این جاده زیر آب میرود. بگویند اول از همه جاده مارا درست کنند، تا آنگاه برای سیل بندی راحت تر قرار بگیریم.»

قسمت نجات هم کم از سایر روستاها ندارد. ظاهر! در خود ده خبری از سیل نیست. چند گوسفند انباشته از خاک رادر گوشه و کنار می بینیم، که محکم راههای ورود آب را پدید آورده اند. با یکی از اهالی بر سر مزرعه اش میرویم. سده مترادریان سابقه های محکم و شاداب گندم ملی می کشند. سده ای آشنای بیچیدن یاد در میان سابقه های گندم گوش را زانو زدن میدهد. کم کم بجای میرسیم که سابقه های گندم نحیف وزرد میشوند و دیگر بجز اجزای چیزی نمی بینیم و آبی که مزارع را پوشانده، آبی که با آب رانگ می خورد، پاسر موسوی زارع عرب، بیلس رادر زمین فرو می کشند و بر گورستان گندمزارش می نشینند و می گویند:

«امسال با یکی «خارج» حدود ۶۰ هزار تومان که دستچشمی برای تراکتور و بذر و کود دادیم، بکلی از زراعت برنسیب شدیم. امسال به نادر جنس سال دوباره شروع کرده بودیم به کشت و این شد نتیجه کار ما. فقط توانستیم خانه ها را حفظ کنیم. حالا که سیل مزه ما را برده، حداقل دولت برای امسال ما باید چاره ای پیدا کنند، یا وامی بدهند، یا کمکاتی بخواهند. توی همین یک ماهه هندو که یا خریده ای بکاریم. سلساختن برای سالهای بعد خیلی خوب است. اما سالها هم باید جریان خسارتها را بکنیم.»

«جزیره» نیز از دیگر مناطق است که با جریان سیل سده دیده است. جزیره مینو به ندرت تقسیم میشود. چند ناحیه آن بقیه در سده ۶



روستاییان، در فاصله مینوات در نزدیکی خرمشهر، بران نجات بقیه زمین های زراعتی خود با کبسه های شن سد ساخته اند

باتصویب شورای انقلاب، راه برای اصلاحات ارضی واقعی و بنیادی گشوده شد. دهقانان با انتخاب شوراهای ده در همه جا و تشکل در اتحادیه ها، باین راه میروند





پای درد دل کارگران اخراجی شرکت چکش

بعد از بیروزی انقلاب ایران، که امید رهایی کارگران و زحمتکشان را، از قید تسلط زور...

کارگران معدن نمک محله از کمترین حقوق قانونی بی بهره اند



معدن نمک محله در ۴۰ کیلومتری جنوب سنجان قرار دارد. از این معدن روزانه حداقل ۱۰۰ تن نمک استخراج می شود...

حقوق روزهای جمعه به کارگرانی پرداخت می شود که حداقل سه ماه متوالی در روزهای جمعه کار کرده باشند...

به شکایات کارگران کارخانه مقول کشی یزد رسیدگی کنید

چند تن از کارگران دستهای یهسته و مجروح خود را نشان داده می گویند: از صاحب معدن تقاضا کردیم که دستکش برای ما بخرد...

اخبار کارگری

کارخانه اتومبیل سازی سایپا مشتی از خروار ستم امپریالیسم فرانسه

کارخانه اتومبیل سازی «سایپا» که اخیراً علی اعلام شد است، در مجموع کارکنان ۲۵۰۰ نفری خود ۲۲۰۰ تن کارگر و ۳۰۰ تن کارمند دارد.

این کارخانه مونتاژکار و وابسته به فرانسه است. سهامدار عمده آن فرانسویها به ریاست آلفرد آیسه و سهامداران ایرانی آنرا وابستگان به رژیم پهلوی تشکیل می داده اند.

درد و رنج کارخانه به فرانسه، سرماهی کارخانه به فرانسه، شراری شد. تولید کارخانه، اتومبیل های «ژیان» و «رنو» است. تولید این کارخانه از ۷۰ دستگاه در روز (قبل از انقلاب) به ۳۵ تا ۴۵ دستگاه (بعد از انقلاب) تقلیل یافته است.

این کارخانه فاقد سندیکا است، ولی یک شورا دارد و ۱۵ نفر از نمایندگان کارگران در این شورا عضویت دارند. یکی از شرایط عضویت در شورا، تسلیم نمایندگان بوسیله مدیریت کارخانه است.

نمایندگان کارگران در شورا، قبلاً هم در رژیم شاهنشاهی نمایندگان کارگران را بر عهده داشته و مورد تأیید کابینه کارفرما بوده است. در آن زمان این نمایندگان، کارگران زیادی را خود رأساً استخدام می کرد، تا طرفداران دائمی او باشند.

اگر کسی به این شخص اعتراض می کرد، شایدها مورد بازخواست قرار می گرفت این شخص توانسته است همچنان در دست قبلی خود باقی بماند، ولی بهتر کارگران با بهیستی به این نماینده نگاه می کنند و قبولش ندارند.

کارکنان کارخانه «سایپا» سابقه مبارزاتی نیز دارند و در جریان اعتصابات پیش از انقلاب، این کارخانه از نخستین واحدهای تولیدی بوده که تارکس و کارمند آن یکپارچه اعتصاب کردند.

اعتصاب، که برای رژیم سابق خیلی گران تمام می شد، به اضافه حقوقی معادل ۳۰ درصد برای کارکنان منجین شد. حقوق متوسط کارگران حدود ۲۰۰۰۰ ریال و کارمندان در دوران رژیم سابق، سرمایه داران فرانسوی و ایرانیان وابسته، کارگران را وحشیانه استثمار می کردند.

چون یک اتومبیل زیان برای کارخانه بود ۷ تا ۸ هزار تومان تمام می شد، در صورتیکه همین اتومبیل در بازار ایران بین ۲ تا ۳ هزار تومان (منتهای اضافه قیمتی که دلال ها و واسطه ها به خریدار تحمیل می کردند) فروش می رسید.

از آنرا که کارگران «سایپا» هم به هر چه از اتومبیل باقی می ماند، سود می بردند. بطور مثال، اگر یک ماشین زیان با وسائل لوازم یکسری موتور می شد، حدود ۱۰۰ تا ۱۲۰ هزار تومان برای خریدار ایرانی تمام می شد. این نشان دهنده غارت و چالاولی سرمایه داران فرانسوی است که علاوه بر سود کارخانه، میلیاردها سود از فروش لوازم یدکی به جیب می زدند.

ولی در برابر این سود کلان، فقط ۲٪ آن به کارگران تعلق می گرفت و تازه هزار دوزخ کلک مقدارناچیزی از آنرا به کارگران می دادند.

در حالی که گذشت، سودی که به کارگران تعلق گرفت از سنوات قبل نیز کمتر بود.

کارگران می گویند، با اخراج عده ای از افراد مقصد با حقوق کلان، قاعدهً بایستی سود بیشتری به آنها تعلق گیرد، ولی برخلاف انتظار اکثر همشده است.

کارگران کارخانه را به پایان رسانده اند، در کارخانه یک شرکت تعاونی صرف تاسیس شد، که کارگران بعضی از کالاهای مصرفی خود را به کمک آن تأمین می کنند.

چندی پیش پسران بی توجهی مسئولین کارخانه واسرار آنها دایره کار بادتستگاه پارس، که خراب بوده و تعمیرگاه کارگری که بادتستگاه کار می کرده، دست کارگر از ناحیه هیچ زیر دستگاه رفت و تاگزیری بتواند مناسبه تعمیرات دست اجرا قطع کردند.

این مبلغ ناچیز که به عنوان دستمزد به ما پرداخت می شود، حتی تکلفی خرید یک کیلو گوشت را هم نمی کشد.

بهتر کارگران از سر «ای آذربایجان» بازندان و سیستان راهی آن دیار شده اند. آنها در یک خانه کوچک سکونت گزیده اند و در واقع فقط جایی برای خواب دارند.

حق بیمه و حق بازنشستگی نداریم و از کمترین حقوق اولیه کار محروم هستیم.

در این محله در ۴۰ کیلومتری جنوب سنجان قرار دارد. از این معدن روزانه حداقل ۱۰۰ تن نمک استخراج می شود...

این معدن نمک محله در ۴۰ کیلومتری جنوب سنجان قرار دارد. از این معدن روزانه حداقل ۱۰۰ تن نمک استخراج می شود...

حقوق روزهای جمعه به کارگرانی پرداخت می شود که حداقل سه ماه متوالی در روزهای جمعه کار کرده باشند...

چند تن از کارگران دستهای یهسته و مجروح خود را نشان داده می گویند: از صاحب معدن تقاضا کردیم که دستکش برای ما بخرد...

نمایندگان کارگران در شورا، قبلاً هم در رژیم شاهنشاهی نمایندگان کارگران را بر عهده داشته و مورد تأیید کابینه کارفرما بوده است...

اگر کسی به این شخص اعتراض می کرد، شایدها مورد بازخواست قرار می گرفت این شخص توانسته است همچنان در دست قبلی خود باقی بماند...

کارکنان کارخانه «سایپا» سابقه مبارزاتی نیز دارند و در جریان اعتصابات پیش از انقلاب، این کارخانه از نخستین واحدهای تولیدی بوده که تارکس و کارمند آن یکپارچه اعتصاب کردند...

اعتصاب، که برای رژیم سابق خیلی گران تمام می شد، به اضافه حقوقی معادل ۳۰ درصد برای کارکنان منجین شد. حقوق متوسط کارگران حدود ۲۰۰۰۰ ریال و کارمندان در دوران رژیم سابق، سرمایه داران فرانسوی و ایرانیان وابسته، کارگران را وحشیانه استثمار می کردند...

اهل ده چیتاب پاسخ می دهند. یک خانواده ۱۰ نفری را اداره می کند. بهمت وضع بد کشاورزی و بی بهره مندی محدود آن و همچنین وجود مالک، که نصف حاصل گندم او را که به صورت دیم و با زحمت و شقت زیاد می کاشت، صاحب می کرد، برای پیدا کردن کار آرزو شپس شده است. مدت چهار ماه است که در این شرکت کار می کنند، روزی ۱۷۰۰ تومان حقوق می گرفت، که با این گرانی سرسام آور هزینه زندگی، با محدودیت و فشاری که به خود تحمیل می کرد، می توانست گره بسیار کوچکی از زندگیش را باز کند و سایرانی که او را اندکی افزایش دهد، تا به شاید اوضاع بهتر شود.

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

